

فصلنامه علمی و پژوهشی «بررسی‌های حسابداری»

سال اول، شماره دوم، پائیز ۱۳۷۱

ص ص ۴۹-۷۹

حسابداری خرید اقساطی بر اساس موازین قانونی و شرعی

محمد صفری کوپائی

حسابداری متداول در ایران یک دانش و حرفه وارداتی است که اصول و ضوابط آن به استثناء تغییرات جزئی با بافت فرهنگی و اقتصادی ایران هماهنگ نشده است. لزوم تدوین اصول حسابداری متناسب با شرایط و نیاز ایران از دیرباز مورد توجه و عنایت خاص مدرسان و مجریان حرفه حسابداری قرار داشته است. در عین حال تا قبل از انقلاب اسلامی به دلیل حاکمیت فرهنگ و اقتصاد غرب و عدم توجه قانون، امکان تغییرات لازم فراهم نبوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت ارزشهای اسلامی، لزوم تغییرات اساسی در اصول حسابداری متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان و توجه به شرایط فرهنگی و اقتصادی ایران بیش از پیش ملموس گردید، تا اینکه لزوم تدوین اصول حسابداری بر مبنای موازین شرعی مورد عنایت و تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

اگر چه تدوین اصول حسابداری و حسابرسی ملی در صلاحیت مرجع قانونی آن یعنی

سازمان حسابرسی است و مراحل تدوین آن با حضور عالیترین مقامات علمی کشور بر اساس یک چارچوب منطقی تحت مطالعه و پی‌گیری است، در عین حال، این امر موجب سلب مسؤلیت دیگر دست‌اندرکاران این حرفه و مراجع دانشگاهی و دانشجویان در زمینه پژوهش در مسائل حسابداری و حسابرسی به منظور اشتراک مساعی و تسریع در این رسالت ظریف و حساس نخواهد شد.

خوشبختانه از دو سال گذشته موضوعات برخی از پایان‌نامه‌ها و سمینارهای دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها در زمینه حسابداری عقود اسلامی انتخاب شده است که خود نویدبخش گرایش دانشجویان برای ورود به مباحث نو و کلیدی رشته حسابداری محسوب می‌گردد.

این مقاله به نوبه خود مقدمه‌ای برای طرح این مباحث در نشریات حسابداری است. بنابر این یکی از اهداف مهم چاپ این نوع مقالات در نشریات حسابداری جلب آرا و نظرات پژوهشگران حسابداری و حسابرسی در جهت رفع نواقص و نارساییها، تکمیل مباحث موجود و دستیابی به بهترین راه حلها در زمینه مسائل حسابداری است. در این مقاله سعی شده است خریدهای اقساطی که پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا بسیاری از شرکت‌ها درگیر آن هستند، با هدف دستیابی به مناسبترین رویه حسابداری، بررسی و تجزیه و تحلیل شود.

ویژگی این مقاله در این است که موازین قانونی و شرعی خریدهای اقساطی به عنوان زیربنا در نظر گرفته شده و متعاقباً سعی شده است که در چارچوب مفاهیم حسابداری مالی و استدلالهای منطقی آن، رویه مناسبی برای اندازه‌گیری خریدهای اقساطی طراحی و پیشنهاد گردد. و نظر شهید دکتر بهشتی در به شرح زیر در طراحی رویه حسابداری مزبور بطور کامل مد نظر بوده است.

بدون شک هر قدر مطالعات ما در زمینه مسائل گوناگون و آگاهی ما بر آرا و عقاید گوناگون در تمام زمینه‌های عقیدتی و عملی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و فلسفی بیشتر باشد و با این آگاهی بیشتر به مآخذ اسلامی و کتاب و سنت مراجعه کنیم، برداشتهای روشنتر و جا افتاده‌تر و کما ملتری از اسلام

خواهیم داشت. اما به یک شرط و آن اینکه نخواهیم اسلام را بر هیچ چیزی تطبیق کنیم. به شرط اینکه اسلام را به خاطر جور شدن با چیز دیگر نخواهیم دستکاری کنیم و الا اصالت یک مکتب را فدای توجیحات سلیقه‌ای کرده‌ایم. آن وقت دیگر اسلام، برای اینکه هر کسی می‌تواند آن را مطابق با سلیقه خود معنا کند، یک مکتب نیست، بلکه یک چیزی می‌شود که با هر چیز دیگر جور در می‌آید و بستگی دارد به دست چه کسی بیفتد.^۱

این مقاله که خلاصه یک تحقیق جامع پیرامون حسابداری خریدهای اقساطی است در دو بخش تهیه و تنظیم شده است. در بخش اول، اصول و مفاهیم خریدهای اقساطی بر مبنای موازین قانونی و شرعی تشریح شده و در بخش دوم رویه‌های حسابداری آن مورد بحث قرار گرفته است.

بخش اول - اصول و مفاهیم خرید اقساطی

خرید اقساطی یکی از انواع بیع^۲ است. بدین ترتیب که فروشنده ملزم است که کالای مورد معامله را به خریدار تسلیم کند و خریدار نیز متعهد است که وجه آن را طی چند قسط بر اساس مواعد مقرر در قرارداد به فروشنده کالا بپردازد. در این نوع معامله به مجرد وقوع عقد بیع، مالکیت کالا به خریدار منتقل می‌گردد و فروشنده نسبت به قیمت کالا از خریدار طلبکار می‌شود.

این نوع معامله در منابع فقهی و حقوقی و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا مترادف با «بیع نسبه» آمده است. از نظر عرف نیز ماهیت «بیع اقساطی» و «بیع نسبه»^۳ همانند است، با

۱- دکتر بهشتی - «ربا در اسلام». صفحه ۲۰۰.

۲- بیع در لغت به معنی فروش، در مقابل «شراء» که به معنی خرید است. در اصطلاح، بیع به خرید و فروش نیز گفته می‌شود. در این مقاله، بیع به مفهوم خرید و فروش بکار رفته است.

۳- نسبه، مشتق از کلمه «النسی» که به معنای تأخیر انداختن است و چون پرداخت

این تفاوت که در بیع نسبه، پرداخت وجه کالا معمولاً در یک مرحله انجام می‌شود، ولی در بیع اقساطی، بهای کالای چند مرحله بر اساس مواعید مقرر در قرارداد پرداخت می‌گردد. در صورتی که بخشی از بهای کالا در زمان انعقاد قرارداد پرداخت گردد، در این حالت به این معامله «نقد و نسبه» و یا «نقد و اقساط» گفته می‌شود.

انواع معاملات (بیع) نسبه از نظر نوع عوضین^۴

- ۱- جنس در مقابل وجه نقد (وعده‌دار) باشد.
 - ۲- موضوع معامله هر دو جنس، مختلف باشد.
 - ۳- موضوع معامله هر دو جنس، همانند باشد.
- از روایات بسیاری استفاده می‌شود که نسبه در نوع سوم حتی بطور مساوی تحریم شده و عده‌ای از فقها نیز بر همین منوال فتوی داده‌اند.^۵ به استثناء برخی از روایات و فتاوا، معامله نسبه از نوع دوم نیز منع شده و اگر این قول صحیح باشد، شاید علت آن تحرز از مشابهت آن با ربا باشد.^۶ نسبه از نوع اول مسلماً جایز شمرده شده و هرگز مشابهتی هم به ربا ندارد.

بیع اقساطی از دیدگاه قانون مدنی

در قانون مدنی نامی از بیع اقساطی و یا نسبه برده نشده است. در عین حال بیع به اعتبار

^۴ بهای موضوع معامله در چنین بیعی بد تا آخر می‌افتد، لذا به آن نسبه گفته می‌شود.

^۴ نقل از شهید مطهری، «ربا، بانک - بیمه»، صفحات ۲۲۶ و ۲۲۷.

^۵ مکیل و موزون مورد اتفاق است. خلاف در غیر مکیل و موزون (معدود) است.

^۶ طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی، بیع به عبارت «تملیک به عوض معلوم» تعریف شده است. طبق تعریف مزبور، خرید و فروش لزوماً بر اساس وجه نقد تحقق نمی‌یابد، بلکه خرید و فروش جنس در مقابل جنس نیز مشمول تعریف مزبور قرار می‌گیرد. در این مقاله، بیع به مفهوم خرید و فروش کالاها و داراییهای سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای در مقابل وجه نقد بکار رفته است.

ماعد تسلیم مبيع^۷ و يا وجه آن در مواد ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۶۳، ۳۷۷، ۳۹۴ و ۳۹۵ قانون مزبور تصريح شده است. به عنوان نمونه در ماده ۳۴۱ آمده است که بيع ممکن است مطلق باشد يا مشروط و نيز ممکن است براي تسليم تمام و يا قسمتي از مبيع (کالا) يا براي تأديه تمام يا قسمتي از ثمن (بهاي کالا) اجلي (مهلتی) قرار داده شود. بخش اول ماده قانونی مزبور مربوط به بيع سلف و بخش اخير آن به بيع «نسيه» و «نقد و نسيه» مربوط می‌گردد.

آثار بيع

در ماده ۳۶۲ قانون مدنی، آثار بيعی که بطور صحيح واقع شده باشد، مشتمل بر موارد زير ذکر شده است:

- ۱- به مجرد وقوع بيع، مشتری مالک کالا و فروشنده، مالک بهای کالا می‌شود.
- ۲- عقد بيع، فروشنده را به تسليم کالا ملزم می‌سازد.
- ۳- عقد بيع، مشتری را به تأديه وجه کالا ملزم می‌کند.

شرایط مبيع

کالای موضوع معامله باید دارای شرایط ذیل باشد، وگرنه معامله باطل است:

- ۱- مالیت داشته باشد، یعنی ارزش اقتصادی داشته باشد. (مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ ق.م.)
- ۲- خرید و فروش آن قانوناً ممنوع نباشد. (ماده ۳۴۸ ق.م.)
- ۳- متعلق به فروشنده باشد. (ماده ۴۷ ق.م.)
- ۴- منفعت عقلایی داشته باشد. (مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ ق.م.)
- ۵- مشخصات آن معلوم و معین باشد. (مواد ۱۹۰ و ۲۱۶ ق.م.)
- ۶- فروشنده قادر به تسليم آن باشد. (مواد ۲۱۴ و ۳۴۸ ق.م.)

۷- در این مقاله مبيع (موضوع مورد معامله) که مفهوم عامی دارد بد معنی کالا و داراییهای ثابت بکار رفته است.

شرایط صحت معاملات اقساطی

تمام شرایط اساسی صحت معاملات^۸ و احکام بیع باید در معاملات اقساطی رعایت شود. علاوه بر آنها در معاملات اقساطی، بهای کالا و تاریخ پرداخت وجه و یا سررسید اقساط آن باید کاملاً معلوم و معین باشد، وگرنه معامله باطل خواهد بود.^۹

معاملات اقساطی در قانون عملیات بانکی بدون ربا

معاملات اقساطی به عنوان یکی از راه‌های جایگزینی نظام ربوی بانکها در مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مد نظر قرار گرفته و روشهای اجرایی آن در مواد ۴۷ الی ۵۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون مزبور در تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. بر اساس مقررات این قانون، مصرف منابع بانکها در معاملات فروش اقساطی، صرفاً برای تأمین بخشی از سرمایه در گردش و هزینه‌های سرمایه‌ای واحدهای تولیدی و خدماتی و همچنین احداث و فروش واحدهای مسکونی ارزان قیمت محدود شده است. با توجه به این محدودیت، منابع بانکها برای تأمین کالاهای تجاری برای شرکتهای بازرگانی قابل مصرف نیست. انواع قراردادهای فروش اقساطی بانکی از لحاظ نوع مصرف منابع بانکها و به عبارت دیگر نوع تأمین نیازهای مالی مشتریان بانکها به شرح زیر است:

۱- فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار:

دستورالعمل اجرایی فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار مشتمل بر ۱۲ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۱۹ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و مفاد مصوبه

۸- شرایط اساسی صحت معاملات طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی عبارتند از:

- الف - قصد و رضای طرفین
- ب - اهلیت طرفین معامله
- ج - معین بودن موضوع معامله
- د - مشروعیت جهت معامله

۹- رساله توضیح المسائل امام خمینی، مسائل ۵ (۲) و ۸ (۲۱)

مزبور در قراردادهای ذیربط بانکی ملحوظ واقع شده است. بر اساس ماده ۶ دستورالعمل مزبور و همچنین ماده ۵۰ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، مدت وصول بهای فروش اموال و کالاهای فوق‌الذکر نباید از یک دوره تولید مشتریان و یا حداکثر یکسال از تاریخ انعقاد قرارداد تجاوز کند. مدت مزبور در موارد استثنایی حداکثر تا یکسال دیگر با موافقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قابل افزایش است.

۲- فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات

دستورالعمل اجرایی فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات مشتمل بر ۱۵ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۱۹ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است. به موجب ماده ۲ دستورالعمل مزبور، اموال موضوع این نوع قراردادها شامل وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیساتی است که عمر مفید آنها بیش از یکسال خواهد بود. به موجب ماده ۸ دستورالعمل فوق‌الذکر، بانکها مکلفند بابت بهای فروش اموال موضوع قراردادها در ابتدا مبلغی به عنوان پیش دریافت که حدود و میزان این پیش دریافتها بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد، وصول کنند. مدت وصول اقساط فروش نیز طبق ماده ۱۰ دستورالعمل نباید از طول عمر مفید اموال فروخته شده تجاوز نماید و به موجب تبصره ماده مذکور، مبدأ شروع اقساط، تاریخ شروع بهره‌برداری از اموال بنا بر تشخیص بانک خواهد بود. اضافه می‌کند، تعیین برآورد طول عمر مفید انواع داراییهای سرمایه‌ای موضوع قراردادهای بانکی طبق ماده ۵۱ آیین نامه ذیربط بر اساس جدول انتشار یافته از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌گردد.

۳- فروش اقساطی مسکن

دستورالعمل فروش اقساطی مسکن نیز مشتمل بر ۱۲ ماده و ۶ تبصره در جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱/۱۹ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است. به موجب ماده ۲ دستورالعمل مزبور، محدوده فعالیت‌های بانکها در رابطه با فروش مسکن منحصر به فروش اقساطی واحدهای مسکونی ارزان قیمت است که بطور مستقیم و یا غیرمستقیم توسط بانکها احداث می‌گردد. نظر به اینکه فعالیت‌های بانکها در این بخش مورد استفاده شرکتها قرار نمی‌گیرد، لذا از پرداختن به ضوابط و ویژگیهای این نوع قراردادها در این مقاله خودداری می‌گردد.

ضمانت اجرای پرداخت ثمن (وجه کالای موضوع فروش اقساطی)

در بیع نسبه، خریدار و فروشنده می‌توانند ترتیب پرداخت ثمن و اقساط و محل تأدیه ثمن را در قرارداد معین کنند و خریدار ملزم به اجرای آن است. در ماده ۳۹۴ قانون مدنی آمده است، «مشتري باید ثمن را در موعد و در محل و طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است، تأدیه نماید». همچنین در ماده ۳۹۵ همان قانون ذکر شده است، «اگر مشتري، ثمن را در موعد مقرر تأدیه نکند، با بیع حق خواهد داشت که بر طبق مقررات مربوط به اختیار تأخیر ثمن، معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتري را به تأدیه ثمن بخواهد».

بانکها در قراردادهای فروش اقساطی از هر دو اختیار مقرر در ماده ۳۹۵ قانون مدنی به منظور کسب اطمینان از وصول مطالبات خود بهره‌برداری نموده‌اند. در این رابطه زمانی از اختیار فسخ، استفاده می‌کنند که ناتوانی خریدار در پرداخت ثمن برای آنها آشکار گردد و به عبارت دیگر، خریدار قادر به ایفای تعهدات خویش مبنی بر پرداخت اقساط کالای خریداری شده نباشد. این اختیار را در فقه «خیار تفلیس» می‌نامند و پاره‌ای از حقوق دانان نیز آن را در زمره اختیارات آورده‌اند.^{۱۰} تفلیس ممنوع ساختن مدیون در تصرف در دارایی خویش است، شبیه حکم توقف که در حقوق کنونی برای تاجر ورشکسته صادر می‌شود.^{۱۱} در رابطه با این نوع اختیار در ماده ۳۸۰ قانون مدنی آمده است، در صورتی که مشتري مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد، با بیع حق استرداد آن را دارد. بنابراین چنانچه خریدار قادر به پرداخت بدهی خود نباشد، بانک می‌تواند با درخواست توقیف و یا تملیک اموال فروخته شده و فروش آنها، مطالبات خود را وصول کند.

به منظور تسهیل در استیفای حقوق بانک از طریق حق استرداد، در ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیسات آمده است که، «بانکها مکلفند به منظور حصول اطمینان از اجرای قرارداد و وصول مطالبات خود، اموال موضوع معاملات

۱۰- سید حسن امامی، «حقوق مدنی»، جلد (۱)، ص ۵۲۷.

۱۱- شیخ محمد حسن نجفی، «جواهرالکلام»، جلد متاجر، ص ۱۱۴ - نقل از ناصر کاتوزیان،

حقوق مدنی، دوره عقود معین (۱)، ص ۱۸۳.

این دستورالعمل را به وثیقه خود در آورند». علاوه بر آن در ماده ۱۲ همان دستورالعمل نیز بیان شده است، «بانکها ترتیبی اتخاذ خواهند نمود تا عنداللزوم اموال موضوع این دستورالعمل و وثایق متعلقه، همه ساله در طول مدت اجرای قراردادهای ذیربط، حداقل به میزان مانده مطالبات خود به نفع بانک بیمه شود». مزید بر موارد مزبور، در ماده ۱۵ دستورالعمل فوق‌الذکر تصریح شده است، بانکها مکلفند در قراردادهای فروش اقساطی قید کنند که قرارداد مذکور بر اساس توافق طرفین، در حکم اسناد لازم‌الاجرا و تابع آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی است.

معمولاً آخرین اقدام بانکها برای وصول مطالبات خود، استفاده از «خيار تفليس» است که شرح آن در بالا بیان شد. در شرایط عادی در مواقعی که مشتریان بانک به تعهدات خود مبنی بر پرداخت به موقع اقساط طبق مواعید مقرر در قرارداد عمل نکنند، بانک با استفاده از اختیارات قانونی (مقرر در مواد ۲۲۱ و ۲۲۸ قانون مدنی) علاوه بر وصول اصل مطالبات، مشتریان خود را به پرداخت خسارات تخلف شروط مقرر در قرارداد ملزم می‌کند. حدود و میزان این خسارات معمولاً در متن قراردادها پیش‌بینی می‌گردد.

ماهیت تفاوت بهای فروش نقد و نسیه

در شرایط عادی تجاری، بهای خرید و فروش نقد و نسیه یک کالا متفاوت است. ولیکن میزان این تفاوت به عوامل متعدد و گوناگونی همانند عرضه و تقاضای کالای مورد معامله، اعتبار و سابقه مشتری، نوع و کیفیت کالا، وضعیت رقبا، مقدار و حجم معامله، مدت تأدیه بهای کالا، وضعیت نقدینگی و مالی مؤسسه فروشنده، وضعیت مالیاتی، تداوم فعالیت و ... و حتی سیاست داخلی و خارجی کشور متبوع فروشنده نسبت به کشور متبوع خریدار وابسته است. بدیهی است مجموعه عوامل اقتصادی و سیاسی مزبور در تعیین نرخ فروش کالا در شرایط نسیه مؤثر خواهد بود و این نرخها ممکن است برای مشتریان مختلف در هر مقطع زمانی یکسان یا متفاوت باشد.

به هر ترتیب در شرایط عادی تجاری، بهای کالا به صورت نسیه معمولاً گرانتر از بهای نقد آن است. ولی این تفاوت از دیدگاه فقه اسلامی بدین معنی نیست که فروشنده برای تأخیر در

وصول مطالبات خود، مزدای مطالبه می‌کند. بلکه بالا رفتن نرخ فروش کالای نسبه به دلایل گوناگونی نظیر کاهش سرمایه نقدی در گردش فروشنده، ریسک وصول مطالبات و عرضه و تقاضای کالایی که به صورت نسبه فروخته می‌شود، مربوط می‌گردد.

«در اسلام معامله نسبه از مصادیق معاملات مضطر^{۱۲} محسوب می‌گردد. زیرا کسی که جنسی را می‌خرد، حتماً به دلیل این است که نمی‌تواند پول آن را نقد بدهد و یا لااقل برایش صرف نمی‌کند. از طرفی فروشنده در فروش جنس خود آزاد است. در این حالت مشتری را در شرایط خاصی می‌بیند و آن اینکه پول را اکنون نمی‌تواند بدهد و می‌خواهد بعد از مدتی بپردازد. او از این حالت اضطرار خریدار استفاده می‌کند و قیمت را افزایش می‌دهد. بنابراین معامله نسبه افزایش قیمت است، نه قیمت به علاوه چیز دیگر. افزایش قیمت در معامله نقدی هم موجب فساد معامله نیست. بدیهی است معامله نسبه جز آزادی فروشنده در تعیین نرخ، چیز دیگری نیست»^{۱۳}.

از دیدگاه حقوقی نیز «ضرورتی ندارد که مقدار ثمن معادل قیمت واقعی کالا باشد. زیرا آنچه اصولاً بر عقد حکومت دارد، اراده خریدار و فروشنده است و قانون بر توافق طرفین احترام می‌گذارد. در مواردی هم که بین ارزش کالا و ثمن تفاوت فاحش است، تنها شخص مغبون است که باید درباره سرنوشت عقد تصمیم بگیرد. می‌تواند آن را به حال خود واگذارد و یا با استفاده از خیار غبن بر هم زند»^{۱۴}.

نظر امام خمینی (رضوان‌الله علیه) نیز به این بحث افزوده، سپس نتیجه‌گیری می‌گردد.

۱۲- معاملات اضطراری به معاملاتی اطلاق می‌گردد که هر یک از متعاملین و یا هر دو آنها به ناچار نسبت به انجام معامله اقدام کنند و شرایط معامله را بر خلاف میل باطنی قبول نمایند. معاملات اضطراری از دیدگاه قانون و شرع مقدس معتبر شناخته شده است. رجوع شود به ماده ۲۵۶ قانون مدنی - امام خمینی، تحریر الوسیله، کتاب البیع، مسأله (۱) -

شهید مطهری، «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»، ص ۲۷۹ و «ربا، بانک - بیمه»، ص ۱۱۱.

۱۳- شهید مطهری، «ربا، بانک - بیمه»، ص ۱۱۴.

۱۴- ناصر کاتوزیان، «حقوق مدنی»، دوره عقود معین (۱)، ص ۴۳.

طبق فتوای امام خمینی «اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را نمی‌داند، مقداری نسیه بدهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است. ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند، نسیه بدهد و گرانتر حساب کند، مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسیه می‌دهم، تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گرانتر حساب می‌کنم و او قبول کند، اشکال ندارد».^{۱۵}

علی‌رغم این مطالب اگر فرض کنیم در کشورهای غیراسلامی تفاوت ناشی از بهای کالای نقد و نسیه به عنوان بهره پول تصور گردد که میزان آن به نسبت عوامل مبلغ فروش نقدی و مدت جداگانه محاسبه و وصول می‌گردد، اینگونه معاملات در تطابق با موازین اسلامی از صحت برخوردار نیست. بدیهی است طبق مقررات اسلامی، تفاوت بین بهای نقدی و نسیه کالا در معاملات نسیه یا اقساطی به عنوان بخشی از بهای کالا محسوب می‌گردد و در واقع این اضافه قیمت صرفاً بر نرخ کالا تأثیر دارد. بدیهی است «زیاده قیمت توافق شده بر قیمت واقعی جنس نباید ربا تلقی گردد».^{۱۶}

پرسش و پاسخ پیرامون ماهیت معاملات نسیه و اقساطی

برخی از پرسش و پاسخهای طرح شده پیرامون معاملات نسیه و اقساطی به منظور حصول به اهداف ذیل ارائه شده است:

الف - تکمیل موضوعات و نتیجه‌گیری عملی از بخش مربوط به اصول و مفاهیم خرید اقساطی

ب - رفع هر گونه ابهام نسبت به شناخت اینگونه معاملات و وجوه تمایز آنها با معاملات ربوی

ج - تسهیل در تدوین رویه حسابداری خریدهای اقساطی در تطابق با موازین اسلامی

۱ - سؤال از شهید مطهری:^{۱۷}

اختلاف گذاشتن بین بهای نقد و نسیه شرعاً چگونه است؟ آیا شرعاً جایز است که جنس

۱۵- رساله توضیح المسائل. مسأله ۲۱۰۸

۱۶- شهید مطهری، «ربا، بانک - بیمه»، ص ۱۲۰.

۱۷- همان مأخذ، ص ۸۷.

نقد را مثلاً به ده تومان بفروشیم، اما همین که نسیه شد، بگوییم دوازده تومان؟ پاسخ: بله، ولی آن نه از باب این است که شما برای پولتان سود قرار می‌دهید. بلکه از باب این است که بطور کلی مالک، اختیار دارد که جنس را گران بفروشد یا ارزان، این به ربا مربوط نمی‌شود. مسأله نسیه که ممکن است در آن مقداری به قیمت جنس اضافه شود، در واقع به دایره اختیارات مالک است، گو اینکه معمولاً جنس نسیه را گرانتر می‌فروشند. اما اگر کسی بخواهد آن مبلغ اضافه را بابت قرض حساب بکند، اشکال پیدا می‌کند. مثلاً اینکه بگوید، این جنس را به تو نقد می‌فروشم به هزار تومان ولی این نقد را از تو نمی‌گیرم ولی بعد از ۶ ماه آنگاه هزار و دویست تومان می‌گیرم. به عبارت دیگر در یک صورت نسیه تبدیل به ربا می‌شود و آن اینکه بگوییم ماهیت نسیه این است که قیمت واقعی جنس مثلاً هزار تومان است ولی این هزار تومان را به مدت شش ماه نزد خریدار به قرض می‌گذارم و بعد از ۶ ماه بابت این اعتبار مبلغ دویست تومان اضافه می‌گیرم.

۲- سؤال از شهید مطهری:^{۱۸}

کسی جنسی را می‌فروشد بطور نقد به مبلغ هزار تومان، یک ماهه هزار و صد تومان، دو ماهه ... حکم این عمل چیست؟

پاسخ: این از جنبه دیگر اشکال دارد و آن مشکل عدم تعیین (معلوم نبودن مبلغ و مدت) است. یعنی وقتی که من چیزی را می‌فروشم باید مشخص باشد که نقد است یا نسیه و اگر نسیه است باید مشخص باشد که به این مدت است یا آن مدت و به این قیمت است یا آن قیمت. اما اینکه بگوییم من الان این جنس را به تو می‌دهم، اگر نقد آوردی، این قدر پرداخت کن، اگر یک ماهه آوردی، این قدر و اگر دو ماهه آوردی، این قدر و ... قطعاً باطل است و منشأ بطلانش هم ربا نیست، بلکه «غرر و عدم تعین»^{۱۹} است.

۱۸- همان مأخذ، ص ۸۹

۱۹- معاملات غرری به معاملاتی اطلاق می‌گردد که در آن مبیع (کالا) یا ثمن (بهای کالا) از هر نظر کاملاً معلوم و معین نشده باشد.

۳- سؤال از شهید مطهری:^{۲۰}

مؤسساتی نظیر سازمان مسکن خانه می سازند و به اقساط طویل‌المدت به متقاضیان واجد شرایط واگذار می‌کنند. در نوشتن سند معامله، مبلغ نقد خانه را می‌نویسند و بهره آن را در مدت معین به آن می‌افزایند. شکل معامله و چگونگی تصرف در چنین خانه‌ای چه صورت دارد؟ پاسخ: شکل آن شکل ربوی است و به این شکل مسلم جایز نیست. یعنی اگر خانه‌ای را بسازد، بعد به شما نقد بفروشد و بعد که طلبکار شد، مبلغی روی آن بکشد، همان شکل ربا را پیدا می‌کند. حال آنکه اینها می‌توانند همین کار را به صورت معامله نسیه انجام دهند. یعنی اگر آن خانه برای سازمان مسکن، مثلاً صد و پنجاه هزار تومان تمام شده، آن را به دویست هزار تومان (به صورت اقساط) بفروشد.

۴- سؤال از امام خمینی:^{۲۱}

شخصی خانه‌ای را به کسی فروخته است، خریدار مبلغی را نقداً پرداخته و قرار شده که بقیه را به اقساط در مواعد مقرر پرداخت نماید. اما خریدار مذکور اقساط معین را در رأس موعد نپرداخته و هر قسط، ماهها از موعد آن گذشته است. آیا فروشنده حق فسخ معامله را از بابت تخلف شرط و اختیار تأخیر دارد یا خیر؟ پاسخ: مورد اختیار تأخیر نیست. ولی اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که ثمن در مواعد مقرر به اقساط پرداخت شود و تخلف شده، اختیار تخلف شرط ثابت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بخش دوم - حسابداری خرید اقساطی

حسابداری خریدهای اقساطی، به دلیل نداشتن رویه‌های مناسب و منطبق با اصول و مفاهیم مزبور در حال حاضر اغلب بر مبنای بیانیه‌های صادره از سوی مراجع حرفه‌ای آمریکا

۲۰- شهید مطهری، «ربا، بانک-بیمه»، ص ۱۵۲ - توجه شود، سؤال به قبل از انقلاب اسلامی مربوط می‌گردد.

۲۱- «آداب تجارت و احکام معامله در اسلام»، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ص ۴۵.

و انگلستان عمل می‌شود. رویه‌های حسابداری مزبور اگرچه با رویدادهای مالی حاکم بر قراردادهای خرید اقساطی آن کشورها انطباق دارد، در عین حال برای حسابداری خریدهای اقساطی بر مبنای عقود شرعی مناسب نیست. نبود استاندارد حسابداری مناسب در مورد خرید اقساطی کالا و داراییهای ثابت مؤید این مطلب نیست که از مفاهیم حسابداری فعلی نمی‌توان راه حل مناسبی را برای حل مسأله استنتاج نمود و بکار بست. با در نظر گرفتن اهداف عمده تهیه صورتهای مالی و اصول و مفاهیم حاکم بر معاملات و خریدهای اقساطی می‌توان به تعیین راه حل مناسبی نسبت به چگونگی شناسایی رویدادهای مالی و گزارشگری مراحل خرید اقساطی پرداخت که ضوابط اصول حسابداری نیز در آن رعایت شده باشد.

مبانی و مراحل حسابداری خریدهای اقساطی

مبانی و مراحل حسابداری خرید اقساطی در شرکتها (واحدهای انتفاعی) در سه قسمت به

شرح زیر تقسیم و تشریح می‌گردد:

الف - موضوعات و ماهیت خریدهای اقساطی

ب - بررسی رویه‌های فعلی حسابداری

ج - راه حل پیشنهادی

الف - موضوعات و ماهیت خریدهای اقساطی

خریدهای اقساطی در حال حاضر در ایران به علت شرایط اقتصادی عمدتاً از طریق بانکها انجام می‌گردد. بنابر این موضوعات خریدهای اقساطی در چارچوب قراردادهای بانکی مورد بحث قرار می‌گیرد. ضمن اینکه کاربرد نتایج حاصل از این بخش، برای حسابداری کلیه خریدهای اقساطی عمومیت دارد. همانگونه که در بخش اول این مقاله بیان گردید، فعالیتهای بانکها در مورد فروش اقساطی داراییهای عینی، محدود به تأمین مایحتاج واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی و همچنین احداث و فروش مسکن ارزان قیمت است. بنابر این تأمین کالا برای شرکتهای بازرگانی و یا سایر واحدهای انتفاعی جهت مبادلات تجاری در محدوده قراردادهای فروش اقساطی بانکی قرار نمی‌گیرد.

بدون در نظر گرفتن قراردادهای فروش اقساطی مربوط به مسکن ارزان قیمت، سایر خریدهای اقساطی قراردادهای بانکی را از دیدگاه حسابداری می‌توان به دو گروه داراییهای سرمایه‌ای (مشمول بر وسایل تولید، ماشین‌آلات، تأسیسات و ابزار کار) و غیرسرمایه‌ای (مواد اولیه و لوازم یدکی) تقسیم کرد.

بانکها در تأمین داراییهای مزبور برای متقاضیان نقش واسطه را بطور مستقیم و یا غیرمستقیم ایفاء می‌کنند. نقش مزبور لزوماً جنبه تخصصی نداشته، بلکه متقاضیانی که برای خرید مایحتاج خود کمبود نقدینگی دارند (و یا لااقل برای آنها صرف نمی‌کند که از منابع مالی خود استفاده نمایند) با بانکها طرف معامله می‌گردند. موضوعات خریدهای اقساطی در چارچوب قراردادهای بانکی فارغ از روش تأمین و تهیه آن باید در تاریخ انعقاد قرارداد موجود و متعلق به بانک باشد و متعاقباً مالکیت آن با انعقاد عقد بیع به متقاضی واگذار و تسلیم می‌گردد. موضوعات خریدهای اقساطی عمدتاً از راه‌های زیر تهیه و تأمین می‌گردد:

خریدهای داخلی (تأمین در داخل کشور)

خریدهای داخلی معمولاً به دو صورت انجام می‌گیرد. یکی اینکه مقدمات و مراحل خرید مستقیماً توسط متقاضی خرید به نیابت از بانک انجام می‌پذیرد. در اینگونه خریدها، وجه کالا به دو طریق توسط بانک تأدیه می‌شود، در یک نوع بدین ترتیب است که بانک وجه کالای مورد درخواست متقاضی را در ازای دریافت صورت حساب و پیش فاکتور فروشنده اصلی مستقیماً به فروشنده اصلی پرداخت کند و در نوع دوم وجه کالا مستقیماً به متقاضی تحویل می‌شود تا به نیابت از بانک رأساً نسبت به تهیه و تدارک موضوع قرارداد (آتی) اقدام کند. نوع دیگر از نحوه خریدهای داخلی موضوع قراردادهای فروش اقساطی بانکها، خرید انبوه مواد اولیه اصلی کارخانجات و دیگر مایحتاج عمومی آنها توسط خود بانکهاست که اینگونه کالاها پس از خرید به صورت اقساطی به متقاضیان فروخته می‌شود.

خریدهای خارجی

در اینگونه خریدها، سفارشهای خرید بر حسب درخواست متقاضی به نام وی نزد بانک

تأمین‌کننده منابع مالی گشایش می‌یابد. اخذ تمام مجوزها و مدارک و پیگیریها تا مرحله ورود کالا به عهده متقاضی خرید است. بانکها در اینگونه خریدها معمولاً بهای سفارش (شامل ارزش سیف و سایر هزینه‌های بانکی) را پرداخت می‌کنند و پس از ورود سفارش، موضوع خرید بر اساس قرارداد منعقد شده میان بانک و مشتری بطور اقساطی به خریدار فروخته می‌شود. در خریدهای خارجی، متقاضیان خرید تا مرحله ورود کالا از نظر حقوقی به عنوان وکیل بانک در خرید عمل می‌کنند. به عبارت دیگر بانک گشایش‌کننده و تأمین‌کننده اعتبار، خریدار موضوع سفارش تا مرحله ورود کالا محسوب می‌شود و متعاقباً کالای وارداتی (اعم از سرمایه‌ای و یا غیرسرمایه‌ای) با انعقاد فروش اقساطی به متقاضی ذریبط فروخته می‌شود.

سهم‌الشرکه بانکها در مشارکتهای مدنی

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۹ شورای پول و اعتبار، سهم‌الشرکه بانکها در شرکت‌های مدنی (در مواردی که مشارکت مدنی برای امور تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، احداث مسکن و ساختمان و همچنین برای امور طرح‌های جدید خدماتی صورت می‌پذیرد) در زمان خاتمه قرارداد مجاز است. طبق مصوبه مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۵ شورای پول و اعتبار، اخذ پیش دریافت توسط بانکها در مورد فروش اقساطی سهم‌الشرکه آنها در مشارکتهای مدنی الزامی نیست. بنابر این با توجه به مصوبه مزبور، شرکت‌های خریدار سهم‌الشرکه بانکها در مشارکتهای مدنی می‌توانند در صورت کسب موافقت بانک فروشنده، پیش پرداختی در ابتدا تأدیه نمایند. لازم به ذکر است سود بانکها در فروش اقساطی سهم‌الشرکه آنها در مشارکتهای مدنی شامل سود فروش اقساطی و همچنین سود دوره مشارکتهای مدنی است که در محدوده مصوبات شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد.

وثایق تملیک شده

داراییهای بانکها در هر مقطع زمانی شامل وثایق وامها و تسهیلات سررسید گذشته اعطایی به شرکت‌هایی است که به دلیل عدم بازپرداخت آنها از طریق اقدامات حقوقی و قانونی به تملک بانکها در آمده است. وثایق مزبور شامل اموال سرمایه‌ای نظیر زمین و ساختمان، تأسیسات،

ماشین‌آلات و ابزار تولیدی است که اینگونه اموال نیز ممکن است بر اساس قراردادهای فروش اقساطی به واحدهای تولیدی متقاضی فروخته شود.

ب - بررسی رویه‌های فعلی حسابداری

اندازه‌گیری بهای تمام شده خریدهای اقساطی با در نظر گرفتن موارد مصرف و یا انتفاع آینده از آنها یکی از مسائل با اهمیت در حسابداری مالی تلقی می‌گردد. زیرا این موضوع نقش عمده‌ای در گزارشگری وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکتها خواهد داشت. بطور کلی در اندازه‌گیری خریدهای نقدی مشکل خاصی وجود ندارد. زیرا بهای نقدی اینگونه خریدها معرف بهای تمام شده و یا ارزش متعارف دارایی در تاریخ خرید محسوب می‌گردد. ولی در خریدهای اقساطی یا نسیه نسبت به چگونگی شناسایی و نحوه و زمان ثبت مابه‌التفاوت بهای نقد و نسیه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و به دلیل وجود همین دیدگاه‌ها از رویه‌های حسابداری مختلفی استفاده می‌شود.

برای اندازه‌گیری آثار رویدادهای مالی ناشی از خریدهای اقساطی در ابتدا رویه‌های پذیرفته شده در آمریکا و انگلستان مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد و متعاقباً با استفاده از مفاهیم حسابداری، رویه مناسبی برای اندازه‌گیری بهای تمام شده خریدهای اقساطی (منطبق با موازین شرعی) استنتاج و پیشنهاد می‌گردد.

رویه حسابداری خرید اقساطی در آمریکا

مراجع رسمی حرفه‌ای آمریکا تاکنون نسبت به صدور بیانیه مستقل و جامعی در رابطه با رویه‌های قابل قبول برای حسابداری خریدهای اقساطی اقدام نکرده‌اند. اندازه‌گیری بهای تمام شده خریدهای اقساطی (داراییهای سرمایه‌ای) در کشور مذکور در حال حاضر بر مبنای نظریه شماره ۲۱ هیأت اصول حسابداری^{۲۲} انجام می‌گیرد که نحوه کاربرد آن به زبان فارسی ترجمه شده و ذیلاً مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد:

تحصیل داراییها از طریق صدور اسناد بلند مدت^{۲۳}

داراییها ممکن است بر اساس قراردادهای بلند مدت و از طریق صدور اوراق تجارتي یا ديون رهنی تحصیل شود. بهای تمام شده اینگونه داراییها باید به مبلغی معادل قیمت نقدي (ارزش متعارف) بدون در نظر گرفتن بهره محاسبه شود. قاعده کلی برای ثبت داراییهایی که در ازای صدور اسناد تحصیل می‌شود به شرح زیر است:

الف - ارزش متعارف دارایی تحصیل شده مشخص و یا قابل تعیین باشد:

در این صورت دارایی تحصیل شده باید به ارزش متعارف در دفاتر ثبت گردد و تفاوت مبلغ اسمی اسناد واگذار شده و ارزش متعارف دارایی تحصیل شده به حساب کسریا صرف اسناد منظور و به تدریج طی دوره واریز اسناد به حساب هزینه یا درآمد بهره منتقل و مستهلک شود. در خرید اقساطی ممکن است مالکیت به خریدار منتقل نشود، با این وجود قیمت بهای تمام شده دارایی و بدهی مربوط به آن در تاریخ تحویل عمدتاً پذیرفته شده است.

ب - ارزش متعارف دارایی تحصیل شده، مشخص یا قابل تعیین نباشد:

در صورتی که ارزش متعارف دارایی تحصیل شده مشخص نباشد، این گونه داراییها باید بر اساس ارزش متعارف و یا ارزش فعلی اسناد واگذار شده در دفاتر ثبت گردد.

بدهیهای رهنی اقساطی^{۲۴}

واحدهای تجاری و همچنین افراد، ممکن است بخشی از بهای اموال غیر منقول خریداری شده را از طریق بدهیهای رهنی اقساطی تأمین کنند. اموال خریداری شده معمولاً در رهن وام دهنده گذاشته می‌شود تا وی از دریافت اقساط رهنی از وام‌گیرنده اطمینان حاصل کند.

۲۳- مطالب نقل از حسابداری اموال، ماشین آلات و تجهیزات، نشریه شماره ۶۷،

انتشارات مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، صفحات ۲۲ و ۲۳.

۲۴- نقل از حسابداری مالی، نشریه شماره ۷۵، انتشارات سازمان حسابرسی، صفحه

بدهیهای رهنی اقساطی تعهداتی است که مستلزم پرداختهای ادواری (شامل بهره و بخشی از اصل وام) است. این گونه تعهدات در طول زمان به تدریج بازپرداخت می‌گردد. در هر دو نشریه مورد بحث در رابطه با مطالب طرح شده، توضیحات ذیل در پاورقی آنها ذکر شده است:

الف - نشریه شماره ۶۷ (صفحه ۲۳)

«در ایران به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی، مطالبه بهره منع گردیده است و معاملات بر اساس عقود اسلامی انجام می‌شود».

ب - نشریه شماره ۷۵ (صفحه ۲۵۷)

در نظام جمهوری اسلامی ایران، بهره به طور کل حذف شده است و این بخش از مطالب به منظور کامل بودن محتوای علمی کتاب ارائه شده است.

با توجه به این موارد برای مؤلفان و ناشران محترم نشریات کاملاً روشن بوده است که شکل معاملات ارائه شده منطبق با ماهیت عقود اسلامی نیست. بدیهی است به تبع آن رویه حسابداری ارائه شده در مورد آنها نمی‌تواند برای حسابداری خریدهای اقساطی بر مبنای موازین شرعی مناسب باشد.

مهمترین اشکالات شکلی و ماهوی مربوط به خریدهای اقساطی در خارج از کشور در مقایسه با خریدهای اقساطی منطبق با موازین شرعی و همچنین رویه حسابداری پذیرفته شده در مورد آنها به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱- همانگونه که در اصول و مفاهیم خرید اقساطی بیان گردید، حلیت تفاوت بهای نقد و نسیه از دیدگاه اسلام به دلیل ماهیت معامله‌ای بودن موضوع مورد معامله مطرح است و این مابه‌التفاوت به عنوان بخش جدا ناشدنی از بهای کالا تلقی می‌گردد. علاوه بر آن ثابت گردید که مابه‌التفاوت مزبور در شرایط خاص اقتصادی و با در نظر گرفتن عوامل گوناگون اندازه‌گیری و به بهای جنس مورد معامله افزوده می‌شود و این مابه‌التفاوت با بهره پول مغایرت ماهوی دارد. به عبارت دیگر در اسلام حلیت معاملات اقساطی و سود آنها به این

دلیل است که تجارتمی صورت گرفته و مبادله‌ای انجام گرفته و پول صرف را به علت عقیم بودن آن فاقد هرگونه بازدهی دانسته است. در حالی که در غرب پول و معامله هر دو دارای بازدهی است. بنابراین شکل معاملات اقساطی در غرب مخلوطی از حلال و حرام است. حلال آن به معامله و معین بودن مبلغ معامله مربوط می‌گردد و حرام آن به دلیل اصالت بخشیدن به بازدهی پول (ربا) مربوط می‌شود. به همین دلیل این شکل از معاملات اقساطی از دیدگاه اسلام صحیح نیست. بدیهی است به تبع آن رویه حسابداری بیان شده در مورد آنها به دلیل تفکیک نمودن بهای معامله به ارزش نقدی و سود پول، قابل استفاده در خریدهای اقساطی بر مبنای فقه اسلامی نیست.

۲- مبلغ معامله در خرید اعم از نقدی و یا نسیه به منظور جلوگیری از غرری شدن معامله باید کاملاً معلوم و معین باشد و اصولاً یکی از شرایط اصلی چهارگانه صحت معاملات در قوانین و فقه اسلامی، معین و معلوم بودن مبلغ معامله است. تفکیک بهای موضوع معامله نسیه به مبالغ دیگر به منظور تعیین مبلغ دیگری برای معامله موجب می‌گردد که برای یک معامله مشخص بر حسب نوع محاسبات، چند مبلغ معامله تعیین گردد، این گونه عمل نه تنها با اصول خریدهای اقساطی سازگار نبوده، بلکه بخشی از رویدادهای ماهوی معامله را از واقعیت خارج می‌سازد.

۳- در اسلام حکم برخی از موارد حرام به دلیل ایجاد حاشیه امن به منظور جلوگیری از ورود به حرامی مهمتر وضع شده است. به عنوان نمونه علت اجتهاد برخی از فقها نظیر امام خمینی و شهید مطهری در خصوص حرمت حیل‌های ربا به دلیل جلوگیری از نقض غرض شارع مقدس برای ورود به حریم ریاست. نظر به اینکه از دیدگاه اسلام، تفاوت بهای نقد و نسیه به عنوان بخشی از بهای کالا محسوب می‌گردد، در نتیجه شکستن مبلغ معامله در حسابداری آن، ممکن است این شبهه به وجود آید که این مابه‌التفاوت به مبلغ معامله مرتبط نبوده و حاشیه این معاملات اقساطی از این بابت متزلزل شود.

۴- در برخی از کشورهای خارجی بویژه در غرب، صدور و واگذاری اسناد در قبال خرید اقساطی داراییها، بر مبنای مبلغ اسمی (نقدی) انجام می‌گردد و نرخ بهره بر مبنای رقم

مندرج در متن اسناد، در سررسید جداگانه محاسبه و پرداخت می‌گردد. بنابر این در این گونه معاملات، چون اصالت به پول داده می‌شود، لذا تحمل هزینه استفاده از پول به گذشت زمان در آینده موکول می‌شود. بدیهی است هزینه مزبور در هر دوره مالی متناسب با تعهد بوجود آمده شناسایی می‌گردد و این روش عیناً منطبق با استانداردهای حسابداری است. ولی در خریدهای اقساطی منطبق با موازین شرعی، کل مبلغ معامله در زمان انعقاد معامله تعیین می‌شود و گذشت زمان تأثیری در تغییر مبلغ معامله نخواهد داشت. لذا ثبت کل مبلغ بدهی در اجرای روش تعهدی الزامی است و حذف بخشی از مبلغ معامله (تفاوت بهای نقد و نسیه) به انحراف از اصول حسابداری منجر خواهد گردید. برای باز شدن بیشتر مطلب به تعریف بدهیها به نقل از بیانیه شماره ۳ مفاهیم حسابداری پرداخته می‌شود.

«بدهی تعهدی است که از معامله یا رویدادهای گذشته یا حال ناشی می‌گردد و تسویه آن مستلزم انتقال منابع اقتصادی در آینده به صورت کالا، وجه نقد یا خدمات به ارزش معین یا قابل برآورد است». در تعریف مزبور دو خصوصیت اصلی بدهیها چنین نامبرده شده که اولاً تعهد باید در حال حاضر وجود داشته باشد و دوم اینکه منتج از معاملات و رویدادهای گذشته یا حال باشد.^{۲۵}

با توجه به این تعریف، کل مبلغ معامله در خریدهای اقساطی (شامل سود بانک) در تاریخ انعقاد معامله و دریافت موضوع معامله به عنوان تعهد قطعی خریدار مطرح است. علاوه بر آن بانکها و سایر فروشندگان کالاهای اقساطی، میزان بدهی خریدار را بر مبنای کل مبلغ معامله در حسابها منعکس می‌کنند. بنابر این هرگونه تقلیل در انعکاس تعهد در دفاتر خریدار موجب می‌گردد تا حسابهای خریدار و فروشنده با یکدیگر مطابقت نداشته باشد.

۵- در متن مربوط به «تحصیل داراییها از طریق صدور اسناد بلند مدت» آمده است، در

25- Hendriksen, E. S., "Accounting Theory", Richard D. Irwin 3rd Ed. Chap, 17.

توضیح اینکه بیانیه شماره (۶) مفاهیم حسابداری، جایگزین بیانیه شماره (۳) شده است، در عین حال تغییری در تعریف فوق‌الذکر داده نشده است.

خرید اقساطی ممکن است مالکیت به خریدار منتقل نشود». در این باره باید یادآور گردید که خرید اقساطی، عقدی تملیکی است و طبق ماده ۳۶۲ قانون مدنی به مجرد و نوع بیع، مشتری مالک مبیع می‌شود. بنابر این چنانچه مالکیت موضوع معامله به خریدار منتقل نشود، در این صورت معامله مزبور از مصادیق بیع محسوب نمی‌گردد.

رویه حسابداری خرید اقساطی در انگلستان

حسابداری خرید اقساطی در انگلستان بر اساس بیانیه شماره ۲۱ کمیته استانداردهای حسابداری مجامع حرفه‌ای انگلستان عمل می‌شود. راجع به بیانیه مزبور موارد زیر قابل ذکر است:

۱- رویه حسابداری ارائه شده در مورد خرید نسیه داراییهای سرمایه‌ای تقریباً همانند با رویه مندرج در بیانیه شماره ۲۱ هیأت اصول حسابداری آمریکا است. بنابر این تمام مطالبی که درباره این بیانیه به شرح فوق‌الذکر بیان گردید، عیناً در مورد بیانیه صادر شده از سوی کمیته حرفه‌ای انگلستان نیز کاربرد دارد.

۲- رویه حسابداری خرید اقساطی منعکس در بیانیه، همانند با حسابداری اجاره به شرط تملیک ذکر شده است. عقود مزبور از نظر ماهوی و حقوقی با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده، لذا رویدادهای مالی ناشی از هر یک از عقود مزبور را نمی‌توان از نظر حسابداری با یکدیگر همانند تلقی کرد.

ج - راه حل پیشنهادی

در مورد ثبت اولیه یک رویداد مالی مربوط به خرید اقساطی چهار رویه زیر را می‌توان تصور کرد. رویه‌های مزبور با عنایت به مجموعه مباحث قبلی به منظور انتخاب مناسبترین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- بررسی راه حل (الف)

مهمترین اشکال این راه حل در این است که بخشی از مبالغ معامله و تعهد خریدار در حسابها منعکس نمی‌گردد. اعمال این رویه به انحراف از روش تعهدی نیز منجر خواهد گردید.

۲- بررسی راه حل (ب)

مزیت این رویه نسبت به رویه فوق‌الذکر در این است که تعهد خریدار نسبت به مبلغ معامله بطور کامل در حسابها ثبت می‌گردد و لکن انعکاس بخشی از مبلغ معامله به عنوان هزینه مالی دوره بویژه در مورد داراییهای سرمایه‌ای به انحراف از اصل تطابق درآمدها و هزینه‌ها منجر خواهد گردید. نتیجه عملیات حاصل از این روش بویژه در مواقعی که مبلغ معامله با اهمیت باشد و یا شرکت خریدار در مرحله قبل از بهره‌برداری قرار گرفته باشد، گمراه‌کننده خواهد بود.

راه حل	ثبت اولیه خرید اقساطی
الف	بدهکار - دارایی (به مبلغ نقدی کالا و یا ارزش فعلی بدهی) بستانکار - فروشنده (به مبلغ نقدی کالا و یا ارزش فعلی بدهی)
ب	بدهکار - دارایی (به مبلغ نقدی کالا و یا ارزش فعلی بدهی) بدهکار - هزینه‌های مالی (تفاوت بهای نقد و نسیه کالا) بستانکار - فروشنده (به مبلغ نسیه کالا)
ج	بدهکار - دارایی (به مبلغ نقدی کالا و یا ارزش فعلی بدهی) بدهکار - هزینه‌های انتقالی به دوره‌های آینده (تفاوت بهای نقد و نسیه کالا) بستانکار - فروشنده (به مبلغ نسیه کالا)
د	بدهکار - دارایی‌ها (به مبلغ نسیه کالا) بستانکار - فروشنده (به مبلغ نسیه کالا)

۳- بررسی راه حل (ج)

مزیت این رویه نسبت به رویه‌های فوق‌الذکر در این است که اشکالات مربوط به انحراف از روش تعهدی و اصل تطابق را نخواهد داشت. در عین حال تفکیک مبلغ کالای موضوع معامله

با ماهیت معاملات اقساطی سازگار نیست. یادآور می‌گردد در کشورهای خارجی در خصوص نحوه ثبت اولیه خریدهای اعتباری از همین رویه استفاده می‌شود و در تاریخ ترازنامه مانده مستهلک نشده هزینه‌های انتقالی به دوره‌های آتی مستقیماً به عنوان یک رقم کاهش دهنده با مانده دفتری حساب مشتری تهاتر و خالص آن به عنوان مانده بدهی شرکت، در ترازنامه انعکاس می‌یابد.

۴- بررسی راه حل (د)

راه حل مزبور فاقد اشکالات رویه‌های فوق‌الذکر، و با اصول و مفاهیم خریدهای اقساطی منطبق بر موازین اسلامی هماهنگ است.

مهمترین ویژگیهای مربوط به کاربرد این رویه به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱-۴- مبلغ معامله و تعهد خریدار منطبق با اصول و مفاهیم خرید اقساطی طبق موازین شرع مقدس است. علاوه بر آن با ماهیت حقوقی حاکم بر معاملات و تعهدات متعاملین هماهنگ است.

۲-۴- با مفاد قراردادهای معاملات اقساطی (در چارچوب قانون و آئین‌نامه‌های عملیات بانکی بدون ربا) منطبق است.

۳-۴- موجب حذف بخشی از اطلاعات حسابداری نمی‌گردد و از نظر عرف تجاری و استفاده کنندگان از صورتهای مالی، قابل فهم است.

۴-۴- به محاسبات پیچیده نیاز نیست و با گذشت زمان قابلیت رسیدگی خود را حفظ خواهد کرد.

۵-۴- سلیقه‌های شخصی در آن نقش ندارد و تعابیر و تفاسیر احتمالی گوناگون در نحوه ثبت آنها تأثیری نخواهد گذارد.

۶-۴- طبقه‌بندی تعهدات جاری و بلند مدت در ترازنامه شرکت خریدار نیز با واقعیت همراه است. اگر ارزش فعلی تعهدات آینده در پایان دوره مالی در ترازنامه انعکاس یابد، انعکاس حصه بلند مدت تعهدات مزبور در سرفصل بدهیهای

بلند مدت منطقی نیست. زیرا ارزیابی این بدهیها با در نظر گرفتن محاسبات مربوط به ارزش فعلی با این فرض است که بدهی خریدار بر اساس مبلغ قابل پرداخت در تاریخ ترازنامه، اندازه‌گیری نشده است. لذا این نوع بدهیهای تعدیل شده، بلند مدت نبوده و حتی کوتاه مدت تر از سایر بدهیهای جاری است و انعکاس آنها در سرفصل بدهیهای بلند مدت گمراه کننده است. بنابراین چنانچه قرار باشد حصه بلند مدت بدهیهای ایجاد شده در رابطه با تحصیل داراییهای ثابت در سرفصل بدهیهای بلند مدت در ترازنامه طبقه‌بندی شود، در این صورت باید بر اساس مبلغی که در آینده باید پرداخت شود، مورد اندازه‌گیری قرار گیرد.

۷-۴- به مفهوم یکنواختی به معنای ارزشگذاری یکنواخت موضوعات ترازنامه نزدیکتر است، زیرا در حال حاضر ارزشگذاری تمام موضوعات در ترازنامه به جز استثنائات خاصی بر مبنای «قیمتهای ورودی»^{۲۶} است. بنابراین ارزشگذاری تعهدات بلندمدت بر مبنای «قیمتهای خروجی»^{۲۷} تنوع نحوه ارزشگذاریها را در ترازنامه افزایش داده و این وضع، مفهوم یکنواختی را تضعیف می‌کند.

۸-۴- در زمان بهره‌برداری و یا انتفاع از موضوعات خریدهای اقساطی با در نظر گرفتن مفاد بیانیه‌های حسابداری صادره از سوی مراجع حرفه‌ای آمریکا و انگلستان دو نوع هزینه برای واحد تجاری خریداری مترتب است. یک مورد هزینه استهلاک است و دیگری هزینه بهره. در خصوص هزینه بهره، اگر فرض کنیم که در نظام ربوی، پول به تنهایی دارای بازده اقتصادی است،^{۲۸} پس هزینه آن باید به میزان متوسط وجوه

26- Input Prices

27- Output Prices

۲۸- اسلام پول را به عنوان یک وسیله مبادله مطرح، و آن را به تنهایی فاقد هرگونه بازدهی دانسته است. ولیکن انتفاع حاصل از کاربرد آن را در هرگونه معاملات مشروع به رسمیت شناخته است. به عبارت دیگر فاصله بین سود بانکها در فروش اقساطی با سود پول (ربا) برابر فاصله بین حلال و حرام است و این دو با یکدیگر قابل مقایسه نیست.

استقراض شده و یا طلب فروشندگان اقساطی در هر دوره مالی شناسایی شود. کاربرد رویه فوق الذکر حتی می تواند هزینه استفاده از پول بستانکاران و یا بازده حقوق آنها را در اجرای اصل تطابق به گونه ای منطقی مشخص و معین کند.

چنانچه مابه التفاوت بهای نقد و نسیه به عنوان جزئی از بهای تمام شده موضوعات خریدهای اقساطی در حسابها ثبت گردد، در این صورت در اجرای اصل تطابق می توان هر روش منطقی را برای هزینه کردن بهای تمام شده دارایی خریداری شده در طول عمر مفید آن اتخاذ نمود و بکار بست. زیرا اصول فعلی حسابداری، دست حسابداران و کارشناسان را در تعیین برآورد عمر مفید داراییها و انتخاب هر نوع روش استهلاك باز گذاشته، به شرطی که تصمیمات مزبور معقول و منطقی باشد و صرفاً خواستار افزایش آنها در مهمترین رویه های حسابداری واحد تجاری شده است. یادآور میشود، عمر مفید و روش استهلاك داراییهای ثابت در بیشتر واحدهای تجاری ایران بویژه شرکتهای مشمول قانون سازمان حسابرسی بر مبنای جداول مالیاتی انتخاب می گردد. مبانی مزبور اگرچه صرفاً برای تعیین حد نصاب هزینه های قابل قبول برای محاسبات مالیاتی انتشار یافته، ولی متأسفانه شرکتهای بدون پیش بینی مستقل در زمینه برآورد منطقی از عمر مفید و نحوه بازدهی داراییها صرفاً همان برآوردهای مندرج در جداول مالیاتی را بکار می برند.

۹-۴- با اصول بنیادی و یا مفاهیم حسابداری مالی سازگار است و تضادی را بوجود نمی آورد. امروزه اصل تطابق یکی از بارزترین اصل حسابداری محسوب می گردد. زیرا سود هر واحد تجاری که مهمترین و با ارزشترین اطلاعات مالی برای تمام استفاده کنندگان از صورتهای مالی محسوب می گردد، در نتیجه حاصل از کاربرد اصل مزبور به دست می آید. اصل تطابق به دو عامل تفکیک می شود. یکی بعد زمانی (اصل دوره مالی) آن است و دیگری ارتباط بین درآمد و هزینه را مشخص می کند. بعد زمانی اصل تطابق از دیرباز تاکنون ثابت مانده، ولیکن با توجه به پیدایش موارد خاص در رویدادهای مالی و اقتصادی، ارتباط بین درآمد و هزینه در استانداردهای حسابداری

هر چندگاه تضعیف و یا تقویت شده است.

اصولاً اندازه‌گیری داراییهای غیرپولی و موارد مصرف و یا انتفاع از آنها دو هدف تقریباً متضاد را تأمین می‌کند. هر یک از این اهداف بر اتخاذ روشهایی دلالت دارد که ممکن است از نظر هدف دیگر کاملاً مناسب نباشد. هدف اول اندازه‌گیری داراییها برای انعکاس در ترازنامه است و هدف دوم اندازه‌گیری موارد مصرف و یا استفاده از داراییها برای انعکاس در صورت حساب سود و زیان است. اهداف مزبور هر یک طرفدارانی با دیدگاه‌های متفاوت دارد که به طرفداران هدف اول، اصطلاحاً «خط ترازنامه‌ای» و به طرفداران هدف دوم «خط سود و زیانی» اطلاق می‌گردد. اگرچه در تدوین رویه‌های حسابداری نظرات دو طرف مد نظر قرار گرفته، در عین حال در سالهای اخیر هدف اندازه‌گیری سود (هدف دوم)، هدف اول را تحت الشعاع قرار داده است.

زمان شناسایی و میزان اندازه‌گیری درآمد به منظور حصول به نتایج عملیات یک واحد انتفاعی بر مبنای اصل شناخت درآمد صورت می‌گیرد که در حال حاضر ترکیبی از روشهای معاملات^{۲۹} و فعالیتهاست.^{۳۰} شناخت هزینه‌ها در اجرای اصل تطابق نیز بر اساس ضوابط زیر انجام می‌گیرد:

الف - همبستگی علت و معلول^{۳۱}

این ضابطه بر این رابطه منطقی استوار است که تحصیل درآمد معلول صرف هزینه است. به عبارت دیگر در هر واحد تجاری انتفاعی هزینه در بدو امر به قصد کسب درآمد، پرداخت و یا تحمل می‌گردد. بنابر این در بیشتر موارد، یک رابطه معقولی بین هزینه و درآمد وجود دارد. بدیهی است در اجرای این رابطه، هزینه‌هایی باید به عنوان هزینه دوره مالی تلقی گردد که متناسب با آن، درآمد مربوط متحقق و شناسایی شده باشد.

29- Transaction approach

30- Activities approach

31- Associating Cause and Effect

ب - تخصیص سیستماتیک و معقول ۳۲

برخی از مخارج نظیر داراییهای ثابت (به جز زمین)، عمر انتفاع‌دهی بیش از یکسال دارند، بدیهی است اینگونه مخارج بر اساس یک روش معقول و سیستماتیک در طی دوره‌هایی که انتظار می‌رود، در خلال آن دوره‌ها منافع آنها عاید می‌گردد، تسهیم و به عنوان هزینه شناسایی می‌گردد.

ج - شناخت بلادرنگ ۳۳

هزینه‌هایی که به نحو معقولی نتوان از طریق رابطه علت و معلول و یا روش تخصیص سیستماتیک و معقول شناسایی کرد و فاقد ارزش و یا منافع آینده باشند و همچنین زیانهای ناشی از کاهش ارزش داراییها و بدهیهای احتمالی بر حسب مورد باید در زمان وقوع و یا در پایان دوره مالی شناسایی شود.

اولویت در کاربرد ضوابط شناخت هزینه‌ها

طبق اصل تطابق، هزینه‌ها با درآمدها باید بدواً بر مبنای رابطه علت و معلولی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در هر دوره مالی شناسایی گردد. چنانچه هزینه از طریق مزبور ممکن نباشد، از روش بعدی یعنی تخصیص سیستماتیک و معقول استفاده خواهد شد. اگر هیچیک از روشهای مزبور قابل اجرا نباشد، هزینه و یا زیان باید در دوره‌ای که اتفاق افتاده و یا زیان متحمل شده است، شناسایی شود.

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف اصلی تأسیس واحدهای تجاری انتفاعی تحصیل سود است که این سود در هر دوره مالی بر مبنای اصل تطابق از مابه‌التفاوت درآمد و هزینه محاسبه می‌گردد. بدیهی است

32- Systematic and Rational Allocation

33- Immediate Recognition

حصول به اهداف تشکیل واحد تجاری و بالا بردن حقوق صاحبان سرمایه ایجاب می‌کند که در بدو امر میزان بازدهی هزینه‌ها و یا تحمل آن مورد توجه قرار گیرد. یکی از این موارد، خریدهای اقساطی است که قاعدتاً بهای آنها بیش از بهای نقدی است.

منطقی است تصور شود که تصمیم به خرید اقساطی دارایی مورد نیاز هنگامی اتخاذ خواهد گردید که پیش‌بینی شود این اقدام برای واحد تجاری انتفاع در بر خواهد داشت. به عبارت دیگر هزینه ناشی از این مابه‌التفاوت از طریق درآمد حاصل جبران خواهد گردید. بنابر این تحمل سود بانکها در زمینه خریدهای نسیه از آنها از یک رابطه مستقیم و یا غیرمستقیم با درآمد واحد تجاری برخوردار است. به دلیل امکان ایجاد رابطه بین درآمد و هزینه مزبور، مناسبترین حسابی که سود بانکها را می‌تواند در اجرای اصل تطابق شناسایی کند، همان حساب دارایی خریداری شده خواهد بود. بدیهی است به پیروی از اصل تطابق، در حالی که دارایی خریداری شده مواد اولیه باشد، هزینه قابل شناسایی در هر دوره مالی بر اساس رابطه علت و معلول محاسبه می‌گردد و در حالی که دارایی، سرمایه‌ای باشد، هزینه آن متناسب با طول عمر مفید و نحوه بازدهی و یا بکارگیری آنها بر اساس ضابطه تخصیص سیستماتیک و معقول در هر دوره مالی شناسایی می‌گردد.

چنانچه انتظار رود، بهای ارزیابی موجودی مواد و کالای موضوعات خریدهای اقساطی در پایان دوره از درآمد آینده آنها کمتر است، در این صورت موجودیهای مزبور باید بر اساس قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار، تعدیل و مابه‌التفاوت بر اساس روش شناخت فوری هزینه‌ها، در حسابهای واحد تجاری انعکاس یابد.

۱۰-۴- بیانیه‌های حسابداری انتشار یافته در دهه‌های اخیر تا حدود زیادی از اصل محافظه‌کاری به مفهوم بدبینی آن فاصله گرفته و تا حد زیادی به واقع‌بینی نزدیک شده است. نمونه آن به رسمیت شناختن روش دارایی کردن هزینه بهره طبق شرایط خاصی بر اساس بیانیه شماره ۳۴ هیأت استانداردهای حسابداری مالی^{۳۴} است. بر اساس استاندارد مزبور چنانچه استقراض خاصی به مصرف ساخت داراییهای

سرمایه‌ای و یا غیر سرمایه‌ای بلندمدت برسد. در این صورت بهره پرداختی بابت آن استقراض تا زمان بهره‌برداری از آن دارایی و یا فروش آن قابل ثبت در بهای تمام شده همان دارایی خواهد بود. بنابراین در حالی که یکی از بزرگترین مراجع فعلی تدوین‌کننده اصول حسابداری اجازه می‌دهد که هزینه بهره قابل ثبت در بهای تمام شده دارایی است. بدیهی است دلیلی ندارد که در انعکاس مابه‌التفاوت بهای نقد و نسیه در حساب بهای تمام شده دارایی خریداری شده، تردید شود.

۱۱-۴- در بیانیه شماره (۲) هیأت اصول حسابداری آمده است که مفاد بیانیه در مورد

حسابهای دریافتی و پرداختی کوتاه مدت که در رابطه با مبادلات تجاری با مشتریان و فروشندگان ایجاد می‌شود، به دلیل رعایت اصل اهمیت کاربرد ندارد. ۳۵

بنابر این طبق این بیانیه ثبت مبلغ معامله خریدهای نسیه کوتاه مدت (مواد اولیه و کالا) به مبلغ خرید (نسیه) به رسمیت شناخته شده است. همچنین استنباط منطقی از بولتن تحقیقات و ترمینولوژی حسابداری (شماره ۴۵) نیز حاکی از صدور مجوز در همین زمینه است. از بحث اصول حسابداری که بگذریم، از دیدگاه استدلال منطقی نیز می‌توان، دارایی کردن سود بانکها در موضوعات خریدهای اقساطی کوتاه مدت (مواد اولیه و کالا) را با استمداد از برهان خلف توجیه کرد.

اگر فرایند کسب درآمد حاصل از خریدهای اقساطی در دوره خرید کامل گردد، اصل تطابق به طور سیستماتیک اجراء شده است. حال فرض شود، مراحل تولید مواد اولیه خریداری شده کلاً یا بعضاً در دوره خرید تکمیل، و لکن این تولیدات بنابر تصمیم مدیریت و یا دلایل دیگری با سود مورد انتظار در دوره مالی بعد فروخته شود، در این حالت منطقی است که بخشی از هزینه تأمین مواد اولیه (سود بانکها) به حساب سود و زیان دوره خرید منظور گردد ولی درآمد حاصل از آن در دوره بعد شناسایی گردد.

آیا در این حالت نتایج عملیات شرکت در دو دوره مالی به گونه‌ای منصفانه ابراز خواهد گردید؟ بویژه اگر فرض شود، که تمام فعالیتهای شرکت مورد بحث صرفاً به تولید کالا از محل مواد

اولیه خریداری شده به صورت نسبه منحصر بوده است. آیا زیان ابرازی در دوره تولید نتایج عملیات شرکت را به طور منصفانه نشان خواهد داد؟ مسلماً نه تنها منطق بلکه عرف جاری و حتی تفکر حسابداران سنتی که زیربنای فکری آنها اصل محافظه کاری به مفهوم بدبینی آن است نمی تواند موارد مزبور را تأیید کند. البته اصول حسابداری این گونه موارد را مورد توجه قرار داده و به همین دلیل است که هزینه های قبل از بهره برداری - تا زمان بهره برداری اقتصادی از ظرفیت تولیدی واجدهای تجاری انتفاعی - و همچنین دارایی کردن برخی از هزینه ها را در اجرای اصل تطابق با عنوان «هزینه های انتقالی به دوره های آینده»^{۳۶} به رسمیت شناخته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی